

عقده های «بچه تخس» جامعه آلمان



دکتر فرامرز بهزاد

از هاینریش بل^۱ نویسنده آلمانی قبلا دو داستان کوتاه («کاری انجام خواهد شد»^۲ و «وقتی که جنگ به پایان رسیده بود»^۳) و یک نمایشنامه رادیویی («بعد از ظهر طولانی»^۴) به فارسی برگردانیده شده است. «عقاید یک دلک»^۵ نخستین اثری است که این نویسنده را به عنوان رمان نویس به فارسی زبانان معرفی می کند.

بل از ۱۹۴۹ با انتشار رمان «قطار به موقع رسید» شهرت یافت، در ۱۹۵۱ چند داستان کوتاه نوشت و جایزه «گروه ۴۷» انجمن نویسندگان آلمانی زبان به داستان «وصله های ناجور»^۶ او داده شد. بل جسته جسته در زمره موفق ترین و پرفروش ترین نویسندگان پس از جنگ آلمان درآمد تاجایی که در ۱۹۶۲ تیراژ آثارش در آلمان از دو میلیون نسخه گذشت. تیراژ ترجمه های آثار بل در خارج از آلمان نیز از این کمتر نیست.

بل این موفقیت بزرگ را همچنان مدیون فتنونی است که با چیره دستی در سبک بیان و نویسندگی خود به کار می گیرد و «عقاید یک دلک» نمونه بارزی از اوست؛ رمز موفقیت او در درجه اول در اینست که در هر اثر، یا به پای تحولات اجتماعی آلمان، موضوعات روزمره مورد علاقه طبقه وسیع بورژوازی آلمان را در قالب داستان عرضه می کند، یا طغیانی معتدل برضد اوضاع ناهنجار مذهبی و اجتماعی و اخلاقی و شورشی رام شده در چارچوب قانون مدنی.

با نگاهی به مجموعه آثار بل، او را نویسنده ای پایبند، منتقد اجتماعی و معلم اخلاق می شناسیم. خود بارها گفته است از «هنر برای هنر» بیزار است. موقعیت و وظیفه هنرمند در جامعه، در جنگ و پس از جنگ - هنرمند در برابر حکومت استبدادی و در برابر حسابگریهای دستگاههای انتشاراتی - موضوع بسیاری از آثار اوست. به عقیده او هنرمند بودن طبعاً الزاماتی به همراه دارد که تمهد و مسئولیت در مقابل اجتماع و از خود گذشتگی کامل اساس آنهاست. در مصاحبه ای گفته است: «هنر آفریدن است، دل به دریا زدن است، همیشه بوده است و خواهد بود.»^۸ این است

هاینریش بل به سال ۱۹۱۷ در شهر کلن آلمان به دنیا آمد. چندی در یک کتابفروشی کارآموزی کرد. از ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ که سال از پای درآمدن حکومت نازی بود در ارتش هیتلری خدمت می کرد. آن گاه به اسارت متفقین درآمد و پس از آزادی به کلن بازگشت. یکی دو سال را در درودگری برادرش کار کرد و به تحصیل زبان و ادبیات آلمانی پرداخت و از همین دوران بود که به نویسندگی روی آورد.

عقاید یک دلک

هاینریش بل

ترجمه شریف لنگرانی

ناشر: شرکت سهامی کتابهای جیبی

۳۲۴ صفحه بها: ۷۰ ریال

که هنرمند به ناچار خطراتی را که فی‌المثل به سبب ناامنی مادی به او روی می‌آورد، پدیده جنبی زندگی هنرمندانه خود می‌داند و به جان می‌خرد. هنرمند با تمام وجودش، از روی کشش و الزامی درونی، هنرمند است، انسان همانقدر می‌تواند «کمی» هنرمند باشد که «کمی» آبتن. بل در یک جا می‌نویسد:

«امکانات زیادی برای یک هنرمند هست، فقط یک امکان نیست: آرام نشستن و کلمه «فراغت» را به زبان آوردن.»^۹

تشبیه گسترده رمان «عقاید یک دلک» نیز مبین زندگی و نقش هنرمند است در زمان خود. «یک هنرمند غیر از کاری که می‌کند کار دیگری نمی‌تواند بکند، باید نقاشی کند، به عنوان دلک دائما در حال کوچ باشد، از سنک یا گرانت چیزهای ماندنی بسازد»^{۱۰}. قهرمان رمان که داشتن یا نداشتن شغل برایش هرگز مسئله‌ای نبوده است، اوقات فراغت ندارد. وقتی که همه به استراحت می‌پردازند، کار اصلی دلک شروع می‌شود. نقش این دلک، همچون نقش دلک در پارهای قرون وسطا، این است که با چشمان باز محیط خود را مشاهده کند و گزیها را به باد انتقاد سخت و بی‌ملاحظه بگیرد. چنین نقشی را نیز هنرمند باید در اجتماع داشته باشد. و هاینریش بل از همان ابتدای کار نویسندگی، وظیفه خود دانسته فرد آلمانی و آنچه را که مربوط به اجتماع آلمان امروزی می‌شود، موضوع آثار خود قرار دهد. چه با قصد وی بازداشتن ملت آلمان از تکرار اشتباه فاصله دو جنگ است.

نسل بعد از جنگ آلمان، در مجموع که بنگریم، به گرداب خلاء دچار آمده بود. سرخوردگی اش پس از سر آمدن دورانی که آرمانهای ژادپرستانه را جایگزین تقریبا همه‌گونه ارزش های مذهبی و اخلاقی و سنتی کرده بود عمیقتر از آن بود که عدم اعتمادش تنها متوجه ناسیونال سوسیالیسم شود. نسلی که واقعیت جنگ، و گرسنگی و سرما و بی خانمانی بعد از جنگ را در کل هستی اش درک کرده بود، نه تنها به وعده و وعیدهای احزاب جدید سیاسی که رهبرانش عروسکهای بیش نبودند، اعتنائی نداشت، بلکه از جهان بینی ادبیات و فلسفه کلاسیک آلمان نیز، روی گردان بود. دین و روحانیت هم نظرش را جلب نمی‌کرد، چرا که برای العین دیده بود که کلیساها اگر علنا جای رژیم فاشیستی را نگرفتند، لاقلا اعمال آنان را با سکوتی همسنگ جنایت برگذار کردند. کمال مطلوب این نسل سرخورده، دیگر «زندگی بی آرایش» بود، اخلاقیاتی ابتدائی و ساده، و تقوای غیر جزمی، و به هر جهت گوشه دنجی فرسنگها دور از غوغا. در چنین وضعی، بل شروع به نوشتن و انتشار آثارش می‌کند.

در این آثار اوضاع جنگ و (بخصوص) بعد از جنگ تشریح می‌شود. صحنه‌ها تصویری به دست می‌دهند از جبهه های درجه دوم جنگ، از سربازخانه‌های موقتی و متروک، شهرهای بیمار شده، قطارهای پر، ایستگاههای سرد رام آهن و اتاقهای کثیف انتظار. زباله، شش، مال، بیهودگی، وقت کشی. بل، در نخستین رمان خود، «کجا بودی، آدم؟» با قلمی توانا فضای خفقان آور محیط سربازی و سرد گذشت سربازان و افسران را که به مرگی مسخره و محتوم می‌کشد تصویر می‌کند. جنگ ماجرا نیست، با آرمان و ایده آل ربطی ندارد. جنگ یک بیماری و اگیردار است برای

ناگزیر نشان دادن جنایت، همین وبس. حکومت تخریب بناچار امکان ایجاد رابطه‌های انسانی را می‌گیرد، انسان را به ایزاری موقتی و قابل تعویض بدل می‌کند که کشتن و کشته شدن کار اوست. بل، به این ترتیب، نه افسر و سرباز را چون فرد، بلکه میلیتاریسم و جنگ را به طور کلی، محکوم می‌کند. سیل از جنگ برگشتگان به این خرسند می‌شوند: ابزار کجا می‌تواند تقصیر کار باشد؟

واخوردگی و یاس درپاره‌ای از آثار نخستین بل به شدتی است که خواننده را به یاد سرگستگی شخصیت‌های آثار کافکا می‌اندازد. ولی بل نویسنده‌ای معتدل است. از افراط و تفریط می‌ترسد. به آنمهای داستان خود همواره امکان تنفس را در فضای خفقان آور می‌دهد، امکانی که غالبا در کانون خانواده و در محیط تسلی بخش کلیسا به دست می‌آید. هاینریش بل نویسنده‌ای کاتولیک است، ترجیح می‌دهد او را نویسنده‌ای بدانند که «در ضمن» کاتولیک است. مسائل روزمره اجتماع آلمان، هر کجا که با کاتولیسیم ربطی دارد، در آثار بعدی او تا آخرین رمانش «پایان یک ماموریت»^{۱۱} به تفصیل و با تمام جزئیات مطرح می‌شود.^{۱۲} همکاری مستقیم و غیر مستقیم کلیساها با حکومت فاشیسم، دنیای درونی توده خرده کاتولیک آلمانی و مظاهر ناپسندش، ظاهر سازی و شریعت پردازی روحانیان عالیرتبه کاتولیک و رفاه به ناحق زندگی‌شان، تشریح و برملا می‌شود. اخلاقیات ساده و ابتدائی، محبت، نوع دوستی و احساس همدردی، معیار نهائی قضاوت قهرمانان مثبت بل است که در جریان داستان همواره درگیر کشمکش درونی میان سنت و عقاید نقلی از یک طرف و عشق و محبت بی آرایش نسبت به هم نوع از طرف دیگر، بوده‌اند. سنت و عقاید نقلی، آنجا که به عواقب عینی اجتماع زمان خود بی‌اعتناء باشند، مهملات اند. قهرمان رمان «بیلیارد در ساعت نه و نیم»^{۱۳} کلیسای تاریخی و کهن را منفجر می‌کند چون مقامات کلیسای و کاتولیک های زیبایی شناس ارزش هنری آن را مدام به رخ می‌کشند، ولی از انسانهای زنده زمان خود در مقابل نیروهای مخرب کوچکترین دفاعی نمی‌کنند. دلک عقده‌اش را در همین مورد چنین خالی می‌کند: «به این فکر بودم به چه ترتیب زومرویلد را به قتل برسانم. یک هنر شناس را باید با یک اثر هنری به قتل رساند تا پس از مرگ هم از جنایت بزرگی که نسبت به آن اثر هنری شده است، رنج ببرد. یک مجسمه مریم برای این کار زیاد خوب نیست، چون ارزش زیادی ندارد و زیاده از حد محکم است، وانگهی ممکن است در موقع مرگ به خودش دلداری بدهد که مجسمه عیبی نکرده است.»^{۱۴}

رمان «عقاید یک دلک» لبریز است از دق‌دلی خالی کردنهایی از این دست. خواننده نه با عقاید یک دلک به عنوان شخصیتی مستقل و جدا از نویسنده، بلکه با جزئیات عقده‌های «بی‌تخص» کاتولیسیم آلمان آشنا می‌شود، این تسمیه‌ای است که بل برای خودش معین کرده است و هر جا که تکرارش کرده‌اند به دلش نشسته است، او در سراسر رمان به دستکاهای ریز و خرد کاتولیکی مانند «موسسه آموزشی مسیحی»، «کاتولیکهای ترقیخواه»، «اتحادیه کاتولیکی کارشناسان سلیقه» اشاره می‌کند، کاتولیکهارا «مسیحی جغد» می‌نامد، «وجدان مسیحی» شان را به تسخر می‌گیرد و گاه چنین می‌گوید «کاتولیکها مرا عصبانی می‌کنند، چون مردم بی‌انصافی هستند»^{۱۵}. «فرزندان این دنیای خاکی نه تنها با

- (۲) ترجمه کریمی، در «کتاب هفته» شماره ۶۶، ۱۳۴۱
- (۳) ترجمه هوشنگ طاهری، در «داستانهای نوین آلمانی»، ۱۳۴۶
- (۴) ترجمه هوشمند مهرآسا، در «کتاب هفته»، شماره ۴۲، ۱۳۴۱
- (۵) Ansichten eines Clowns
- (۶) Der Zug war pünktlich
- (۷) Die Schwarzen Schafe
- (۸) رجوع شود به ص ۱۱ کتاب :
- Erzählungen Hörspiele Aufsätze

(۹) ص ۱۵۹ کتاب :

Hierzulande. Aufsätze zur Zeit. 3691.

(۱۰) ص ۱۳۵ ترجمه

(۱۱) Wo warst du, Adam? 7591

(۱۲) Ende einer Dienstfahrt, 6691

(۱۳) اخیراً اطلاع یافتیم که رمان جدیدی از بل منتشر شده است به نام «عکس دسته جمعی با خانم» (Gruppenbild mit Dame)

(۱۴) Billard um halb zehn

(۱۵) ص ۱۲۹ ترجمه، ص ۱۲۹ اصل.

(۱۶) ص ۱۱۳ ترجمه، ص ۱۱۵ اصل.

(۱۷) ص ۹ ترجمه، ص ۱۹ اصل.

(۱۸) ص ۸۴ ترجمه، ص ۸۹ اصل.

هوشتر از فرزندان کلیسا هستند، بلکه انسان تر و سخی تر نیز هستند^{۱۷}». «برای من توی دنیا فقط چهار نفر کاتولیک وجود داشت: پاپ یوحنا، الک گینس، ماری و گرگوری^{۱۸}». اگر برای انتقادهای بل در محدوده آثار دیگرش بهر جهت توجیهی هست، برای عقده‌های «بچه تخیل» کاتولیسیسم آلمان که تنها از زبان دلگک بیان می‌شود، مشکل می‌توان محملی داستانی یافت. خواننده وقتی جای مناسب بیان این گونه عقاید را در مقالاتی مانند مقاله بل «نامه‌ای به یک کاتولیک جوان» می‌بیند از خود می‌پرسد آیا برای به زبان آوردن آنها احتیاجی به خلق دلگک بوده است؟

موضوعات حمله به مظاهر خشک مذهبی و کلیسایی، صلح دوستی و مخالفت با دستگاههای نظامی، در آثار بعدی بل به موازات شکل گرفتن آلمان جدید و افزایش علائق اجتماعی و سیاسی مردم آلمان، تحول می‌یابد و انتقاد از احزاب سیاسی بخصوص حزب دمکرات مسیحی و خرده گیری از نظام سرمایه‌داری، نویسنده کاتولیک را دست آخر به «سوسیالیسم مسیحی» راهبر می‌شود که به همان اندازه دنباله رو تمایلات و نیازهای طبقه بورژوازی آلمان است که پیاده کردن جنبه‌های مذهب پوریتانیسم انگلیسی-آمریکایی در کاتولیسیسم آلمان. □

توضیحات :

Heinrich Böll

